

The Effectiveness of the Combined Training of Philosophy for Children and Empathy Program on Students' Social Competence

Fatemeh-Sadat Fatemi*

Raheleh Sadeghi**, Hamideh Shahban***

Abstract

The purpose of this study was to investigate the effectiveness of the combined training of philosophy for children and empathy program on the social competence of elementary students. The research method was quasi-experimental (pretest-posttest design with control group). The statistical population included all fifth and sixth grade male students in Tehran who were studying in the academic year 2018-2019. Using the convenience sampling method, 30 people who scored lower in the social competence questionnaire were selected as sample and randomly assigned to two groups of 15 (control and experimental). The experimental group then passed the combined training of philosophy for children and empathy program for ten 60-minute sessions. Flenz Social Competence Questionnaire (1990) was used for data collection. Univariate analysis of covariance (ANCOVA) was used to analyze the data. The results showed that the implementation of this program can have a significant effect ($P > 0.01$) on improving students' social competence.

Keywords: Philosophy for Children, Empathy Program, Social Competence, Elementary Students.

* Master of Educational Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran, fa.fatemi@atu.ac.ir

** PhD Student of Counseling, Department of Counseling, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran (Corresponding Author), sadeghi.rahele66@gmail.com

*** Master of Family Counseling, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran, hamide.shahban@yahoo.com

Date received: 08/11/2020, Date of acceptance: 04/12/2020

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

اثربخشی برنامه ترکیبی آموزش فلسفه به کودکان و همدلی بر شایستگی اجتماعی دانش آموزان

فاطمه السادات فاطمی*

راحله صادقی**، حمیده شاهبان***

چکیده

هدف از این مطالعه، اثربخشی برنامه ترکیبی آموزش فلسفه به کودکان و همدلی بر شایستگی اجتماعی دانش آموزان ابتدایی بود. روش پژوهش نیمه آزمایشی با طرح پیش آزمون - پس آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری شامل کلیه دانش آموزان پسر پایه پنجم و ششم ابتدایی شهر تهران که در سال ۱۳۹۸-۱۳۹۷ مشغول به تحصیل بودند. با استفاده از روش نمونه گیری در دسترس، ۳۰ نفر از افرادی که نمره پایین تری در شایستگی اجتماعی کسب نمودند انتخاب شدند و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش (۱۵ نفر) و کنترل (۱۵ نفر) قرار گرفتند. در مرحله بعد گروه آزمایش به مدت ۱۰ جلسه ۶۰ دقیقه‌ای در معرض آموزش ترکیبی فلسفه برای کودک و همدلی قرار گرفت، در پایان جلسات، دانش آموزان هر دو گروه در دو مرحله، یک مرحله بلافاصله پس از پایان آموزش و یک مرحله بعد از گذشت دو ماه از آموزش مجدداً پرسشنامه شایستگی اجتماعی فلنز و همکاران (۱۹۹۰) تکمیل نمودند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل کوواریانس تک متغیری (آنکوا) استفاده شد. نتایج

* کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران،

Fa.fatemi@atu.ac.ir

** دانشجوی دکتری مشاوره، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران (نویسنده مسئول)، sadeghi.rahele66@gmail.com

*** کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران،

Hamide.shahban@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۰

نشان داد که اجرای این برنامه می‌تواند بر ارتقا شایستگی اجتماعی دانش‌آموزان تأثیر معناداری بگذارد ($P > 0/01$) و موجب افزایش شایستگی اجتماعی دانش‌آموزان گردد.

کلیدواژه‌ها: آموزش فلسفه به کودکان، آموزش همدلی، شایستگی اجتماعی، دانش‌آموزان ابتدایی

۱. مقدمه

کودکان در همان سال‌های آغازین ورود به مدرسه، می‌آموزند چگونه با استفاده از تجربیات گذشته به صورت استراتژی فکر کنند و به تفسیر نشانه‌های اجتماعی بپردازند و همچنین با عملکردهای تحصیلی جدید و پیچیده که در طول سال تحصیلی به سرعت در حال تغییر هستند پاسخ متناسب ارائه دهند (Chapparo & Ranka, 2014: 778). بنابراین سیستم‌های آموزشی باید توجه بیشتری به نیازهای دانش‌آموزان از جمله مهارت‌های اجتماعی - هیجانی و شناختی داشته باشند. مهارت اجتماعی مفهومی چندبعدی است که توانایی کودک در برقراری، توسعه و حفظ روابط سازنده اجتماعی را توصیف می‌کند (VandenBos, 2015: 67). این مهارت‌ها به زندگی بهتر دانش‌آموزان در مقاطع بعدی کمک بیشتری می‌کند (Tough, 2012: 155). مطالعات نشان داده است کودکانی که درگیر تعاملات اجتماعی می‌شوند اغلب نمی‌دانند چطور در لحظه فکر کنند، مهارت‌های اجتماعی متناسب را در بافت اجتماعی بکار برده و تطبیق دهند (Pisa, 2013: 72). و از آنجایی که دانش‌آموزان پایه و اساس نظام آموزشی محسوب می‌شوند، توجه به نیازهای آموزشی و تربیتی دانش‌آموزان از وظایف نظام آموزشی کشور است، از جمله نیازهایی که باعث موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان می‌شود، شایستگی اجتماعی است.

شایستگی اجتماعی، توانایی شخص در رسیدن به اهداف فردی و تعاملات اجتماعی، همزمان با حفظ رابطه مثبت با دیگران است، که شامل مهارت‌هایی همچون تنظیم هیجان فردی، توانایی ارتباط و درک احساسات دیگران، توانایی حل مسئله، حل اختلاف‌های بین فردی و گسترش ارتباط مؤثر با همسالان است (خسروی و دیگران، ۱۳۹۷: ۳/۳). به عبارت دیگر شایستگی اجتماعی به معنی توانایی انسان در رسیدن به خودمختاری، پذیرفتن مسئولیت‌های اجتماعی، توانایی مراقبت از خود و دیگران و یاری رساندن به افراد است (دهقانی و دیگران، ۱۳۹۷: ۲/۲۳۲).

شایستگی اجتماعی باعث می‌شود تا احساس و واکنش دانش‌آموزان نسبت به عوامل انسانی و غیر انسانی ایجادکننده مدرسه تعمیم یابد و ظرفیت دانش‌آموزان در آگاهی اجتماعی مانند مدیریت کردن روابط، برقراری ارتباط مؤثر با دیگران، حفظ استقلال شخصی و مسئولیت اجتماعی را بالا می‌برد و هر چه شایستگی‌های اجتماعی کارآمدتر باشد، کیفیت روابط دانش‌آموز و معلم که به‌عنوان یکی از کلیدی‌ترین عناصر چرخه یادگیری به شمار می‌رود، ارتقاء می‌یابد (چناری، ۱۳۹۶: ۳۳). برای تقویت شایستگی اجتماعی درمانگران و پژوهشگران نیاز به درک سازه‌های زیربنایی دارند که به حل مشکلات اجتماعی در آینده کمک کند (Smithers et al, 2018: 878). اثر بخشی آموزش حوزه‌های مختلفی از جمله همدلی، خودکارآمدی و تاب‌آوری بر روی شایستگی اجتماعی در پژوهش‌ها انجام شده است. از جمله، جمالی و جاریوند (۱۳۹۵: ۸) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که آموزش فلسفه بر ادراک شایستگی کودکان مؤثر است. محمدی کمرسرخ (۱۳۹۶: ۱۱۷) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که آموزش همدلی می‌تواند زمینه‌ای را برای بهبود شایستگی اجتماعی و افزایش شادمانی بر دانش‌آموزان فراهم آورد. ماکایو (Makaiau) (2015: 1) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که آموزش فلسفه باعث تصمیمات آگاهانه‌تر، درک مثبت از خود و رشد شخصی می‌شود. همچنین پژوهش‌ها نشان می‌دهند بین همدلی، تفکر، ادراک خود ارتباط مثبت وجود دارد (Cutierrez et al. 2011: 10). به نظر می‌رسد لزوم فراهم آوردن آموزش‌هایی در مدرسه برای افزایش لذت دانش‌آموزان در مدرسه مهم باشد زیرا انگیزه کودکان برای مشارکت در کلاس درس را بالا می‌برد و باعث ایجاد مهارت‌ها و رفتارهای اجتماعی متناسب گردد (Cohn et al, 2000: 38). با توجه به نتایج تحقیقات گذشته از جمله راهبردهای بسیار مناسب آموزشی که هدف آن توجه به نیازهای کودکان از جمله مهارت شایستگی اجتماعی می‌باشد، برنامه آموزش فلسفه برای کودکان (philosophy for children)، مهارت‌های ارتباطی (Communication skills)، تاب‌آوری (resilience) و همدلی (Empathy) است.

همدلی عبارت است از توانایی تجربه‌ی احساسات مشابه شخص دیگر در پاسخ به یک موقعیت ویژه و نیروی برانگیزنده‌ی رفتارهای بین فردی و اجتماعی کودکان است (Morelli et al, 2015: 59). در واقع، آموزش همدلی از طریق افزایش درک فرد از احساسات خود و دیگران، باعث افزایش پاسخ‌های همدلانه در روابط بین فردی، تنظیم هیجان و ایجاد بازخورد مثبت برای فرد می‌شود (Riess, 2015: 50)، تنوع و اهمیت تأثیرات همدلی،

پژوهشگران مختلف را بر آن داشته تا نسبت به بررسی همدلی و فرایند ایجاد و آموزش آن در کودکان اقدام نمایند. پژوهش‌ها در زمینه‌ی رشد همدلی اظهار کرده‌اند که همدلی زیربنایی برای رشد و پرورش اجتماعی و شناختی مثبت است. در پژوهش‌های مختلف مشخص شده است که همدلی برای درک کودکان از رفتارهای اجتماعی، برای تنظیم درک و فهم خود، رفتارهای اجتماعی و برای تحول اخلاقی‌شان ضروری است (Passingham & Wise, 2012: 132). به نظر می‌رسد این مهارت‌ها و رفتارهای همدلی، پایه و اساس موفقیت و شایستگی اجتماعی آینده دانش‌آموزان را پی‌ریزی کند (Pascoe & Brennan, 2017: 43).

برنامه آموزش فلسفه برای کودکان بر نقش مشارکتی و اجتماعی فراگیران در تولید علم تأکید دارد. آموزش فلسفه به کودک در تلاش است تا با آموزش فلسفه به دانش‌آموزان، آن‌ها را به قلمرو درک و فهم، معنایی و ساختن معنا وارد نماید و از این راه، زمینه‌ی پرورش تفکر را فراهم آورد (رضایی و دیگران، ۱۳۹۳: ۸۲/۹). لیپمن (۲۰۱۶) فلسفه را به‌عنوان شیوه‌ای برای پرورش تفکر و قضاوت اخلاقی، انتقادی و درک و فهم مورد استفاده قرار می‌دهد؛ هدف از آموزش فلسفه کودکان، تقویت مهارت‌های تفکر و استدلال در آنان است و نباید فکر کرد که هدف آن آموزش افکار، آرای پیچیده فیلسوفان بزرگی مانند افلاطون، ارسطو و کانت است، چنانچه افکار کودک را درگیر مباحث فلسفی کنیم، می‌توانیم مهارت تفکر و درک و فهم و استدلال او را رشد دهیم. لیپمن در پژوهش‌های خود متوجه شد دانشجویانش فاقد توانایی بیان افکار خود و قدرت داوری نقادانه و مهارت‌های حل مسئله هستند در حالی که کودکان سرشار از کنجکاوی، خلاقیت و علاقه هستند بنابراین از نظر وی، برای حل این مسئله، شروع آموزش فلسفه در دوره جوانی دیر است و بایستی از سنین کودکی تفکر و پرسشگری آموزش داده شود. لیپمن (Lipman, 1997) برنامه‌ای شامل تعدادی داستان کوتاه فلسفی، همراه با دفترچه‌های راهنمای معلم برای استفاده همه کودکان از سن ۴ تا ۱۸ سال بود را فراهم نمود. لیپمن در یک دسته بندی کلی تلاش می‌کند تا به کمک برنامه درسی فلسفه برای کودکان سه مهارت: تفکر انتقادی، تفکر خلاق و تفکر همدلانه را در بین کودکان بسط دهد تا آنان بتوانند با پژوهش در ایده‌ها به انتقاد از ایده‌های گذشته و موجود بپردازند و به آفرینش ایده‌های نو مبادرت کنند (Lipman, 2003: 30). برنامه درسی فلسفه برای کودکان قابلیت تغییر رفتارها و کنش‌های عاطفی و اخلاقی را دارد و در نوع خود می‌تواند در پرورش ابعاد عاطفی و اخلاقی کودکان مؤثر واقع شود. در برنامه درسی فلسفه برای کودکان، تمرین برای جامعه‌پذیر شدن از راه

گفتگوهای فلسفی و در قالب (اجتماع پژوهشی) صورت می‌گیرد. لیپمن بعضی از داستان‌ها را در حیطه مطالعات اجتماعی و نحوه شکل‌گیری فرد و اجتماع و گروه‌ها و ساختارهای حاکم بر اجتماع برای کودکان تدارک دیده است (Lipman, 1988: 53). از نظر لیپمن فلسفه برای کودکان، به‌عنوان یک‌شکل از تفکر و پرسشگری سطح بالا است. بر این اساس، داستان برای برنامه تفکر و پرسشگری با هدف رشد و توسعه استدلال و رشد مهارت‌های زبانی و حل مسئله و همدلی برای کودکان در سنین اولیه و ابتدایی مورداستفاده قرار گرفت (کمالی مطلق و نوشادی، ۱۳۹۶: ۲/۹).

نقاط قوت برنامه درسی فلسفه برای کودکان در سه بعد قابل‌شناسایی است. اول در بعد مهارت‌های شناختی است که این برنامه به ویژه در اعطای مهارت تفکر به کودکان ارائه می‌دهد. دوم از جهت اعطای مهارت‌های عاطفی و اخلاقی است که کودکان از این برنامه کسب می‌کنند؛ سوم از جهت مهارت‌های اجتماعی است که کودکان از این برنامه حاصل می‌کنند. برنامه آموزش فلسفه به کودکان بر مهارت‌های اجتماعی (قبادیان، ۱۳۹۴: ۱۴۰/۲)، در پرسشگری و تفکر انتقادی (طباطبایی و موسوی، ۱۳۹۰: ۷۶/۲) اثر مثبت دارد. در این راستا، پژوهش‌های سیف‌نراقی و همکاران (۱۳۹۰) و ماهروزاده و رمضان‌پور (۱۳۹۰) نشان داد که اجرای برنامه فلسفه به کودکان تاثیر معناداری در ابعاد مختلف رشد از جمله اجتماعی شدن، ارتباط زبان و خودفرمانی، افزایش مهارت‌های بین‌فردی و توانایی سازگار شدن دانش‌آموزان با یکدیگر داشته است. همچنین موریس (Murriss) (2016: 74) در پژوهشی با عنوان بررسی تأثیر برنامه آموزش فلسفه به کودکان بر روی شکل‌گیری کودک متفکر، انجام گرفت به این نتیجه رسید که آموزش فلسفه به کودک در شکل‌گیری تفکر، استدلال و همدلی در کودکان مؤثر است.

برنامه درسی فلسفه برای کودکان از روش‌های آزاد و نسبت‌گرایانه در تفکر و فلسفیدن بهره می‌گیرد. لیپمن در این زمینه می‌گوید: تمام برنامه‌های موسسه پیشبرد فلسفه برای کودکان بر اهمیت اجتماع پژوهشی تأکید دارند. در چنین برنامه‌هایی، دانش‌آموزان به کاوش عقاید دیگران ترغیب می‌شوند. اگرچه چنین برنامه‌هایی به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا به ارزش‌های مورد نظر خود آگاه‌تر شوند، اما یاد می‌گیرند که به ارزش‌های سایر افراد گروه هم احترام بگذارند (Lipman, 2003: 29). با توجه به این مهم، برای مواجهه با نقطه ضعف‌های موجود در بکارگیری آموزش فلسفه به کودکان و اهمیت کاوش و جستجو در نظرات و عقاید دیگران از رویکرد بومی سازی این برنامه استفاده شد (ستاری، ۱۳۹۵:

۱۳/۱۵). در این رویکرد با تأکید بر حفظ این برنامه که اثربخشی آن در چندین پژوهش تأیید شده است، بر آن شدیم با توسعه برنامه آموزش فلسفه به کودکان در برنامه‌ای ترکیبی با آموزش همدلی، از یک سو اصلاحات و پالایش لازم به عمل آید و از سوی دیگر عناصر لازم به آن اضافه شده و برنامه توسعه یابد. از طرف دیگر به نظر می‌رسد تا زمانی که افراد از شناخت و استدلال بالایی برخوردار نباشند، انتظار همدلی از آن‌ها منطقی نباشد همچنین برنامه آموزشی فلسفه به کودکان و همدلی در مقطع دبستان که امکان شکل‌دهی اجتماعی - هیجانی و رفتاری در کودکان را بیشتر می‌کند، می‌تواند مورد توجه زیادی قرار بگیرد. باتوجه به پیشینه نتایج، آموزش فلسفه به کودک و همدلی می‌تواند سهم بسزایی در رشد و بالندگی درک و فهم کودکان داشته باشد و با توجه به این‌که پژوهشی به بررسی آموزش فلسفه به کودکان و همدلی انجام نشده است که به صورت تلفیقی این دو مدل آموزش را ارائه دهد. پژوهش حاضر به بررسی اثربخشی آموزش تلفیقی فلسفه به کودکان و همدلی بر شایستگی اجتماعی دانش‌آموزان پرداخته است.

۲. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف در زمره پژوهش‌های کاربردی است. این پژوهش یک مطالعه نیمه آزمایشی است که در آن از طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل استفاده شد. در این پژوهش آموزش ترکیبی فلسفه به کودکان و همدلی به‌عنوان متغیر مستقل و شایستگی اجتماعی به‌عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شد. جامعه آماری پژوهش حاضر، شامل کلیه دانش‌آموزان پسر پایه پنجم و ششم ابتدایی منطقه ۱۴ شهر تهران که در سال ۱۳۹۷-۱۳۹۸ مشغول به تحصیل بودند. روش نمونه‌گیری در دسترس بود، به این صورت که از بین مدارس ابتدایی منطقه ۱۴ شهر تهران، مدرسه‌ای که با پژوهش حاضر همکاری داشت، انتخاب، و تمامی دانش‌آموزان چهار کلاس پایه پنجم و ششم ابتدایی، به سؤالات پرسشنامه شایستگی اجتماعی پاسخ دادند و از بین این دانش‌آموزان، ۳۰ دانش‌آموز که نمره پایین‌تری در شایستگی اجتماعی کسب نمودند، انتخاب شدند، و بعد از کسب اجازه از والدین آن‌ها، دانش‌آموزان به‌صورت تصادفی در دو گروه آزمایش (۱۵ نفر) و کنترل (۱۵ نفر) قرار گرفتند. پس از مشخص شدن گروه آزمایش و کنترل، گروه آزمایش به مدت ۱۰ جلسه ۶۰ دقیقه‌ای (هر هفته یک جلسه) در معرض آموزش ترکیبی فلسفه برای کودکان و آموزش همدلی به روش داستان

قرار گرفت، لازم به توضیح است که یکی از نویسندگان این پژوهش روش اجرای آموزش فلسفه به کودکان را با شرکت در کلاس‌های تربیت مربی آموخته است. بدین ترتیب که جلسات آموزشی با استفاده از مجموعه سه جلدی «داستان‌های فکری» (فیلیپ کم (۱۹۹۳)؛ ترجمه، شهرتاش و ابراهیمی، ۱۳۸۵: ۸۰/۱) و آموزش شیوه‌های همدلی تألیف (جان بزرگی و دیگران، ۱۳۹۳: ۸۷/۳) برگزار شد (خلاصه جلسات آموزش در جدول شماره ۱ آمده است). بعد از آموزش، در پایان جلسات، از دانش‌آموزان هر دو گروه مجدداً پرسشنامه‌های شایستگی اجتماعی فلنز و همکاران (۱۹۹۰) گرفته شد و پس از گذشت دو ماه، دانش‌آموزان در متغیر مربوطه مجدداً ارزیابی شدند. در پایان کار، اطلاعات جمع‌آوری شده مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت.

جدول ۱. خلاصه جلسات آموزش ترکیبی فلسفه برای کودک و همدلی

جلسات	محتوای جلسات
جلسه اول	معارفه و اجرای پیش‌آزمون و توضیحاتی در مورد روش کار، قوانین و تاریخ جلسات
جلسه دوم	ارائه داستان گلرت - مفهوم خشم و طرح سؤالات مختلف و انتخاب سؤالات فلسفی و بحث درباره داستان.
جلسه سوم	تمرکز بر احساسات خویش، در این جلسه انواع متفاوت احساسات تجربه شده و اینکه چه احساس‌هایی با انواع موفقیت همراه است.
جلسه چهارم	ارائه داستان گابریل - احساس بدی به خود داشتن، طرح سؤالات و بحث درباره داستان و انجام تمرین.
جلسه پنجم	ادامه موضوع گابریل و بحث در مورد عزت‌نفس و اعتماد به نفس
جلسه ششم	تمرکز بر مشابهت خود با دیگری، در این جلسه با کودکان فعالیت‌های انجام شد که موجب تمرکز توجه روی مشابهت بین خود و دیگری می‌گردد
جلسه هفتم	ارائه داستان لانه پرنده با ایده‌های چگونه به نظر می‌رسیم، دست انداختن، رعایت احساسات دیگران، اختلاف نظر، موافقت
جلسه هشتم	ارائه داستان روی ایوان، با موضوعاتی در مورد ذهن و فکر کردن درباره فکر کردن
جلسه نهم	ایفای نقش، گرفتن نقش که هم روی بعد اجتماعی و بعد عاطفی تأثیر دارد.
جلسه دهم	ادامه موضوع جلسه قبل و گرفتن پس‌آزمون

۱.۲ ابزار پژوهش

۱.۱.۲ پرسشنامه شایستگی اجتماعی

این مقیاس توسط فلنز و همکاران (۱۹۹۰) ساخته شده است که ۴۷ ماده دارد و این ابزار به صورت طیف ۷ درجه‌ای لیکرت (از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) می‌باشد و چهار بُعد مهارت‌ها و توانایی‌های شناختی (در دوران کودکی مورد توجه همبازی‌های خود بوده‌ام)، مهارت‌های رفتاری (وقتی کار اشتباهی می‌کنم از دیگران عذرخواهی می‌کنم)، کفایت هیجانی (وقتی ناراحتم، به شادی‌ها و خوشی‌های زندگی‌ام فکر می‌کنم)، آمایه‌های انگیزشی و انتظار (گاهی در توانایی‌های خود برای موفقیت در زندگی دچار تردید می‌شوم) را می‌سنجد. با توجه به پشتوانه نظریه مطرح شده توسط فلنز، از دیدگاه متخصصان روان‌شناسی و روان‌سنجی، روایی صوری و منطقی آن تأیید شده است. همبستگی این مقیاس با خرده مقیاس‌ها بسیار بالا می‌باشد ($p=0/01$). همچنین روایی سازه این مقیاس به وسیله‌ی تحلیل عاملی ۸۳٪ بود که حاکی از روایی بیرونی بالای آزمون است. این مقیاس در پژوهش‌های متعددی در مورد کودکان و نوجوانان به کار رفته است و اعتبار و روایی آن در این جمعیت‌ها مطلوب گزارش شده است برای نمونه در پژوهش (ابوالقاسمی و دیگران ۱۳۹۰: ۱۳)، ضریب آلفای کرونباخ مقیاس را ۸۹٪ گزارش شده است. همچنین تمامی مقادیر همبستگی سؤالات با کل آزمون بالاتر از ۵۰٪ گزارش شده است که بیانگر همبستگی بالای بین سؤالات با کل آزمون می‌باشد. در پژوهش یاراحمدیان (۱۳۹۱: ۲۸۳) بر روی گروهی از نوجوانان دوره متوسطه شهر تهران، ضریب پایایی کل این مقیاس از طریق روش آلفای کرونباخ ۹۰٪ گزارش شده است.

۳. تحلیل داده‌ها

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، برای بررسی فرضیه پژوهش، علاوه بر استفاده از شاخص‌های توصیفی، از تحلیل کوواریانس تک متغیری (آنکوا) استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش با استفاده از نرم‌افزار SPSS₂₄ انجام گرفت.

۱.۳ یافته‌های پژوهش

شاخص‌های توصیفی متغیر شایستگی اجتماعی شامل میانگین و انحراف معیار نمرات مشارکت‌کنندگان گروه‌های آزمایش و کنترل، در پیش‌آزمون و پس‌آزمون اول و پس‌آزمون دوم (پیگیری) (پس از گذشت دوماه از پس‌آزمون اول) بررسی شد که نتایج در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار شایستگی اجتماعی

شایستگی اجتماعی		گروه	آزمون
انحراف معیار	میانگین		
۶۷/۳۳	۲۰۷/۵۳	کنترل	پیش‌آزمون
۶۱/۶۸	۲۰۲/۵۳	آزمایش	
۶۶/۹۳	۲۱۰/۹۳	کنترل	پس‌آزمون اول
۵۸/۸۲	۲۴۳/۶	آزمایش	
۶۸/۵	۲۱۸/۱۳	کنترل	پیگیری
۵۳/۲۱	۲۲۹/۵۳	آزمایش	

نتایج جدول ۱، حاکی از افزایش میانگین متغیر پژوهش در گروه آزمایش، در مرحله پس‌آزمون اول و پس‌آزمون دوم نسبت به گروه کنترل است. در این پژوهش برای تحلیل استنباطی نتایج از دو تحلیل کوواریانس جداگانه، مرحله اول پیش‌آزمون با پس‌آزمون اول و در مرحله بعد پیش‌آزمون با پس‌آزمون دوم استفاده شد. از این رو، ابتدا پیش‌فرض‌های آن یعنی نرمال بودن توزیع نمرات، همگنی واریانس در گروه‌ها و همگنی شیب رگرسیون مورد بررسی قرار گرفت.

جدول ۲. نتایج آزمون شاپیرو-ویلک جهت تعیین نرمال بودن متغیر

متغیر	آزمودنی‌ها	نوع آزمون	آماره Z	سطح معنی‌داری
شایستگی اجتماعی	گروه کنترل	پیش‌آزمون	۰/۸۹۷	۰/۰۸۶
		پس‌آزمون	۰/۸۷۸	۰/۰۵۴
		پیگیری	۰/۹۰۰	۰/۰۹۵
	گروه آزمایش	پیش‌آزمون	۰/۹۱۶	۰/۱۷۰
		پس‌آزمون	۰/۹۰۱	۰/۱۰۰
		پیگیری	۰/۸۸۶	۰/۰۵۸

همان طوری که نتایج جدول نشان می‌دهد، مقادیر به دست آمده برای آماره‌های Z محاسبه شده در سطح $\alpha = 0/05$ معنی دار نیستند ($p > 0/05$)، بنابراین چنین استنباط می‌شود که متغیرهای مورد مطالعه در مرحله پیش‌آزمون از توزیع نرمال برخوردارند. برای بررسی همگنی واریانس‌ها نمرات آزمودنی‌ها در بین گروه‌های مورد مطالعه از آزمون لون استفاده است که نتایج آن در قالب جدول ۳ نشان داده شده است.

جدول ۳. نتایج آزمون لون برای بررسی همگنی واریانس‌ها

P	df_2	df_1	F	مراحل	شایستگی اجتماعی
۰/۱۵۱	۲۸	۱	۲/۱۱۷	پس آزمون	
۰/۷۴۰	۲۸	۱	۰/۱۱۳	پیگیری	

نتایج آزمون لون نشان می‌دهد که تساوی واریانس‌های از لحاظ آماری معنی دار نبود ($p > 0/05$) بنابراین این پیش‌فرض رعایت شده است. پیش‌فرض بعدی همگنی شیب رگرسیون است که نتایج آن در جدول ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴. بررسی همگنی شیب رگرسیون متغیرهای پژوهش

P	F	MS	Df	SS	متغیر وابسته	شاخص آماری
۰/۶۱۳	۰/۲۶۳	۱۹/۲۰۸	۱	۱۹/۲۰۸	شایستگی اجتماعی در پس آزمون	اثر تعاملی گروه و پیش‌آزمون
۰/۴۶۳	۰/۵۵۷	۴۰/۶۵۹	۱	۴۰/۶۵۹	شایستگی اجتماعی در پیگیری	

همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود تفاوت شیب رگرسیون معنی دار نیست و در نتیجه فرض همگنی شیب رگرسیون برای اجرای آزمون تحلیل کوواریانس رعایت شده است بنابراین تمام مفروضات کوواریانس برقرار است لذا می‌توان از آزمون کوواریانس استفاده کرد.

جدول ۵. نتایج تحلیل کوواریانس شایستگی اجتماعی پیش‌آزمون-پس‌آزمون اول

متغیر	منبع	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	مقدار F	سطح معناداری	اندازه تأثیر
شایستگی اجتماعی	پیش‌آزمون	۱۰۹۰۰۶/۳۵	۱	۱۰۹۰۰۶/۳۵	۱۳۶۳/۸۳	۰/۰۰۱	۰/۹۸
	گروه	۱۰۵۲۹/۰۱	۱	۱۰۵۲۹/۰۱	۱۳۱/۷۲	۰/۰۰۱	۰/۸۳

نتایج جدول ۵، حاکی از آن است که مداخله ترکیبی آموزش فلسفه به کودکان و همدلی منجر به تفاوت معنادار بین گروه‌های آموزش و کنترل در شایستگی اجتماعی ($F=131/72$; $Sig=0/001$) می‌گردد؛ به عبارت دیگر ۸۳ درصد واریانس پس‌آزمون این متغیر مربوط به مداخله ترکیبی آموزش فلسفه به کودکان و همدلی بوده است؛ بنابراین، یافته‌های این پژوهش بیانگر این است که مداخله ترکیبی آموزش فلسفه به کودکان و همدلی می‌تواند شایستگی اجتماعی دانش‌آموزان را افزایش دهد.

جدول ۶. نتایج تحلیل کواریانس شایستگی اجتماعی پیش‌آزمون- پیگیری

متغیر	منبع	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	مقدار F	سطح معناداری	اندازه تأثیر
شایستگی اجتماعی	پیش‌آزمون	۱۰۰۹۴۷/۱۷	۱	۱۰۰۹۴۷/۱۷	۶۲۰/۵۳	۰/۰۰۱	۰/۹۵
	گروه	۱۹۲۸/۸۲	۱	۱۹۲۸/۸۲	۱۱/۸۵	۰/۰۰۱	۰/۳۰

نتایج جدول ۶، حاکی از آن است که مداخله ترکیبی آموزش فلسفه به کودکان و همدلی منجر به تفاوت معنادار بین گروه‌های آموزش و کنترل در شایستگی اجتماعی ($F=11/85$; $Sig=0/001$) می‌گردد؛ به عبارت دیگر ۳۰ درصد واریانس پس‌آزمون دوم این متغیر مربوط به مداخله ترکیبی آموزش فلسفه به کودکان و همدلی بوده است؛ بنابراین، یافته‌های این پژوهش بیانگر این است که مداخله ترکیبی آموزش فلسفه به کودکان و همدلی بعد از گذشت دو ماه از پایان برنامه توانسته شایستگی اجتماعی کودکان را بالا نگه دارد.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این مطالعه، اثربخشی برنامه ترکیبی آموزش فلسفه به کودکان و همدلی بر شایستگی اجتماعی دانش‌آموزان پنجم و ششم ابتدایی بود. یافته‌های این پژوهش نشان داد که برنامه ترکیبی آموزش فلسفه به کودکان و همدلی باعث افزایش شایستگی اجتماعی دانش‌آموزان شده و این تأثیر در طول زمان دوام داشته است. این نتیجه بیانگر این است که آموزش فلسفه به کودکان و همدلی در افزایش مهارت‌ها و در نتیجه ارتقای سطح سازگاری و کیفیت زندگی دانش‌آموزان مؤثر باشد.

نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش‌های (Greenberg et al. (2017، Giménez-Dasí et al. (2013,2015)، (Schonert-Reichl et al (2012)، (Barr et al (2009)، صفار حمیدی و دیگران

(۱۳۹۶)، عارفی و لطیفیان (۱۳۹۰) و بهادر مطلق و دیگران (۱۳۹۱) مبنی بر اثربخش بودن آموزش فلسفه به کودکان و همچنین همدلی بر بهبود مهارت‌های اجتماعی و شایستگی اجتماعی همسو است. بنابراین، استفاده از آموزش‌هایی که مرتبط با راهبردهای شناختی هستند بر عملکرد اجتماعی کودکان در مدرسه تأثیر می‌گذارد. مشکلات اجتماعی کودکان را می‌توان نتیجه منفی توانمندی ضعیف در مهارت‌های شناختی آن‌ها دانست. یکی از عواملی که تأثیر بسزایی در شایستگی اجتماعی دارد، تفکر صحیح است. تغییر در شناخت افراد، در مدیریت احساسات، رفتار آن‌ها و عملکرد اجتماعی‌شان مؤثر است (صفارحمیدی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۹/۴).

آموزش فلسفه به کودکان مهارت‌های تفکر را در آن‌ها پرورش می‌دهد. لیپمن (۱۹۸۵) وقتی کودکان یاد می‌گیرند به فرایندهای تفکر خود، سازمان‌دهی و برنامه‌ریزی توجه کنند، این امر همزمان می‌تواند بر عملکرد اجتماعی دانش‌آموزان اثر بگذارد؛ این یافته با مدل‌های پردازش اطلاعات شناخت همسو است که توصیف می‌کند چگونه اطلاعات شناختی پردازش شده و مورد استفاده قرار می‌گیرد (Dodge et al, 2013: 457). در طول تعامل اجتماعی، لازم است محرک‌های اجتماعی به‌درستی رمزگردانی و تفسیر شوند، پاسخ رفتاری متناسب با موقعیت و هنجارهای اجتماعی انتخاب شود و فرد توانایی اجرای موفق آن را داشته باشد (علامه و دیگران، ۱۳۹۷: ۴۸/۶). نتایج پژوهش چالیتا و همکاران (Challita et al) (2019: 508) نشان داد کودکانی که درک بالاتری در پردازش و برنامه‌ریزی در طول تعامل‌های اجتماعی مختلف دارند از شایستگی اجتماعی بالاتری برخوردار هستند. درک شایستگی اجتماعی به عقاید فرد درباره دوست‌یابی و اینکه دیگران فرد را دوست دارند اشاره دارد. همچنین اینکه بتواند با دیگران ارتباط درست و منطقی برقرار نماید، که این نوع از ادراک در تعامل او با دوستان، خانواده و همسالانش تقویت می‌شود. معمولاً کودکانی که مشکلات شناختی دارند، درک درستی نسبت به توانمندی‌های اجتماعی خود ندارند و به دنبال آن در مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی ضعیف هستند و این ممکن است منجر به گوشه‌گیری و انزوای اجتماعی در آن‌ها شود (صفارحمیدی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۹/۴).

استفاده از شیوه‌های درک همدلانه باعث می‌شود کودکان مهارت اجتماعی بالاتر، قدرت حل مسئله و توانایی رهبری بیشتری را به دست بیاورند. فیندلای و همکاران (2006: 350) (Findlay et al) دریافتند کودکانی که همدلی بیشتری دارند فهم فلسفی بالاتری نسبت به

همسالان با همدلی کمتر و حساسیت بیشتری در رفتارهای اجتماعی شان دارند. بنابراین همدلی و روابط همدلانه عنصری ضروری برای انجام موفقیت آمیز کارکردهای بین فردی و حساس بودن نسبت به احساسات متغیر دیگر افراد و پیوند عاطفی با آنها است که این درک حالت‌های هیجانی دیگران و دادن پاسخ مناسب در روابط بین شخصی، مشکلات بین شخصی را کاهش می‌دهد و زمینه‌ای برای بهبود روابط اجتماعی فراهم می‌سازد. همدلی به شخص اجازه برقراری تماس مؤثر با محیط اجتماعی خود را می‌دهد، او را با محیط اجتماعی پیوند می‌زند، کمک به افراد دیگر را برای شخص آسان و از وارد کردن صدمه به دیگران جلوگیری می‌کند، این ویژگی‌ها به فرد کمک می‌کند تا کیفیت روابط بین فردی خود را بهتر سازد و مشکلات مربوط به کیفیت روابط بین فردی را کاهش دهد که در نهایت باعث تقویت شایستگی اجتماعی می‌گردد (چناری، ۱۳۹۶: ۳۴).

چندین محدودیت در این پژوهش وجود داشت. تجزیه و تحلیل داده‌ها بر اساس ادراک دانش آموزان از شایستگی اجتماعی بود. ادراک و مشاهده معلمان و والدین از رفتار اجتماعی کودکان ممکن است نتایج متفاوتی به بار آورد و قدرت یافته‌ها را در پژوهش‌های آینده ارتقا دهد. اجرای طرح در شهر تهران، عدم انتخاب تصادفی نمونه‌های پژوهش، انتخاب نمونه از دانش آموزان پسر و تکیه بر دو مقطع پنجم و ششم ابتدایی تعمیم‌پذیری نتایج را با مشکل مواجه می‌سازد. پیشنهاد می‌شود از مداخلات مدرسه محور و خانواده محور برای بهبود رفتارهای مطلوب از جمله آموزش فلسفه به کودکان و همدلی استفاده کرد. با توجه به تنوع مشکلات ناشی از عدم مشارکت اجتماعی کودکان که در مدرسه تجربه می‌شود، نیاز است معلمان و پژوهشگران از آموزش‌هایی که به‌طور غیرمستقیم باعث بهبود راهبردهای شناختی اجتماعی کودکان می‌شود، استفاده کنند. نیاز کودکان در مقطع ابتدایی این است که بتوانند سطوح بالایی از فرایندهای تفکر را بکارگیرند، در حالی که به‌طور همزمان رفتارها و عکس‌العمل‌هایشان را نسبت به دیگران نظارت کنند.

کتاب‌نامه

ابوالقاسمی، عباس؛ رضایی‌جمالی، حسن؛ نریمانی، محمد؛ زاهدبابلان، عادل. (۱۳۹۰). قایسه‌ی شایستگی اجتماعی و مولفه‌های آن در دانش آموزان دارای ناتوانی یادگیری و دانش آموزان دارای پیشرفت تحصیلی پایین، متوسط و بالا. ناتوانی‌های یادگیری، ۱(۱)، ۶-۲۳.

- بهادر مطلق، اسلام؛ عطاری، یوسفعلی؛ بهادر مطلق، غلام. (۱۳۹۱). اثربخشی آموزش راهبردهای شناختی بر ابعاد ادراک شایستگی دانش آموزان. روانشناسی تحولی (روانشناسان ایرانی)، ۹(۳۳)، ۳۹-۴۶.
- جان بزرگی، مسعود؛ نوری، ناهید؛ آگاه هریس، مژگان. (۱۳۹۳). آموزش اخلاق رفتار اجتماعی وقانون‌پذیری به کودکان (راهنمای عملی)، تهران: انتشارات ارجمند.
- جمالی، معصومه؛ جاریوند، حمداله. (۱۳۹۵). اثربخشی آموزش فلسفه بر ادراک شایستگی کودکان بیش‌فعال. چهارمین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی.
- چناری، حسین. (۱۳۹۶). اثربخشی آموزش شیوه‌های ارتباط هم‌دلانه والد - فرزند بر ادراک شایستگی و قلدری دانش‌آموزان ابتدایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی.
- خسروی، محسن؛ تیموری نژاد، مهناز؛ مردانی زاده، اسماعیل؛ طاهری میرقائد، فیروز؛ گله دار، لیلا. (۱۳۹۷). اثر آموزش مهارت‌های زندگی بر شایستگی اجتماعی دانش‌آموزان. پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری، ۳(۲۸)، ۱-۱۴.
- دهقانی، یوسف؛ حکمتیان فرد، صادق؛ کامران، لیلا. (۱۳۹۸). اثربخشی آموزش تنظیم هیجان بر بهبود سازگاری و کفایت اجتماعی دانش‌آموزان دچار ناتوانی یادگیری. روانشناسی کاربردی، ۲(۵۰)، ۱۸۲-۱۶۳.
- رضایی، هما؛ شفیق‌آبادی، عبدالله؛ قائدی، یحیی؛ دلاور، علی؛ اسمعیلی، معصومه. (۱۳۹۳). بررسی اثربخشی اجرای برنامه فلسفه برای کودکان به شیوه اجتماع پژوهشی در افزایش هوش هیجانی دختران دبیرستانی. فصلنامه روانشناسی تربیتی، ۹(۳۰)، ۴۳-۶۷.
- ستاری، علی. (۱۳۹۵). رویکردهای مواجهه با برنامه درسی فلسفه برای کودکان و معرفی راهکار مناسب برای کاربست آن در ایران. فصلنامه علمی نوآوری‌های آموزشی، ۱۵(۲)، ۵۰-۷۰.
- سیف نراقی، مریم؛ قبادیان، مسلم؛ نادری، عزت‌اله؛ شریعتمداری، علی. (۱۳۹۰). اجتماع پژوهشی روشی مؤثر در رشد اجتماعی کودکان. فصلنامه تفکر و کودک، ۲(۴)، ۳۷-۵۸.
- صفارحمیدی، الناز؛ حسینیان، سیمین؛ زندی‌پور، طیبه. (۱۳۹۶). تأثیر آموزش مثبت اندیشی بر ادراک شایستگی و مهارت‌های اجتماعی کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست. سلامت روان کودک (روان کودک)، ۴(۱)، ۱۳-۲۳.
- طباطبایی، زهرا؛ موسوی، مرضیه. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر برنامه فلسفه برای کودکان در پرسش‌گری و تفکر انتقادی دانش‌آموزان پایه‌های سوم تا پنجم ابتدایی (۹-۱۱ ساله) دبستان علوی شهر ورامین. دو فصلنامه تفکر و کودک، ۲(۳)، ۷۳-۹۰.
- عارفی، مژگان؛ لطیفیان، مرتضی. (۱۳۹۰). بررسی نقش همدلی و باورهای ماکیاولیستی در کفایت و عدم کفایت اجتماعی دانش‌آموزان نه تا دوازده ساله. مجله مطالعات آموزش و یادگیری، ۳(۱)، ۶۱-

اثربخشی برنامه ترکیبی آموزش فلسفه به کودکان ... (فاطمه السادات فاطمی و دیگران) ۲۲۷

علامه، عاطفه؛ شهنی بیلاق، منیجه؛ حاجی یخچالی، علیرضا؛ مهربانی زاده هنرمند، مهناز. (۱۳۹۷). تأثیر آموزش مهارت‌های مطلوب اجتماعی مبتنی بر برنامه گروه‌بندی مهارت بر شایستگی اجتماعی دانش‌آموزان پسر پرخاشگر. *دوفصلنامه راهبردهای شناختی در یادگیری*، ۶(۱۱)، ۶۵-۶۵.

قبادیان، مسلم. (۱۳۹۴). تأثیر برنامه آموزش فلسفه به کودکان بر مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی. *پژوهش‌های تربیتی*، ۳۰، ۱۳۸-۱۴۹.

فیلیپ، کم. (۱۹۹۳). *داستان‌های فکری (جلد ۱)*، ترجمه شهرتاش و ابراهیمی (۱۳۸۵). تهران: نشر شهرتاش.

کمالی مطلق، طاهره؛ نوشادی، ناصر. (۱۳۹۶). تأثیر آموزش فلسفه برای کودکان بر سطح پرسشگری دانش‌آموزان دوره ابتدایی. *دو فصلنامه تفکر و کودک*، ۸(۱)، ۱-۱۳.

ماهوزاده، طیبه؛ رمضان پور، شیوا. (۱۳۹۰). تأثیر روش اجتماع پژوهی برنامه آموزش فلسفه به کودکان بر پرورش مهارت‌های شهروندی. *اندیشه‌های نوین تربیتی*، ۷(۳)، ۳۱-۶۳.

محمدی کمرسرخ، حسین. (۱۳۹۶). اثربخشی آموزش همدلی بر شایستگی اجتماعی شادمانی دانش‌آموزان پسر دوم دبستان شهرستان خاتم. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارسنجان.

نجفی، حسن؛ جعفری هرندی، رضا. (۱۳۹۸). آموزش فلسفه به کودکان و نوجوانان؛ چالش‌های کنونی و طرح راهکارهایی برای آینده. *مجله رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی*، ۱۱۰(۵)، ۵۴-۵۸.

یاراحمدیان، نسرين. (۱۳۹۱). ارتقای توانمندی‌های فردی-اجتماعی و سلامت عمومی نوجوانان از طریق افزایش کفایت اجتماعی آنان. *علوم رفتاری*، ۲۱(۶)، ۲۷۹-۲۸۸.

Barr, J. J., & Higgins-D'Alessandro, A. (2009). How adolescent empathy and prosocial behavior change in the context of school culture: a two-year longitudinal study. *Adolescence*, 44 (176).

Challita, J., Chapparo, C., Hinitt, J., & Heard, R. (2019). Patterns of cognitive strategy use common in children with reduced social competence derived from parent perceptions. *Australian occupational therapy journal*, 66(4), 500-510 .

Chapparo, C., & Ranka, J. (2014). *The PRPP System of Task Analysis: User's Training Manual. Research Revision Edition: Occupational Performance Network: The Discipline of Occupational Therapy.*

Cohn, E., Miller, L. J., & Tickle-Degnen, L. (2000). Parental hopes for therapy outcomes: Children with sensory modulation disorders. *American Journal of Occupational Therapy*, 54(1), 36-43 .

Dodge, K. A., Godwin, J., & Group, C. P. P. R. (2013). Social-information-processing patterns mediate the impact of preventive intervention on adolescent antisocial behavior. *Psychological Science*, 24(4), 456-465.

- Findlay, L. C., Girardi, A., & Coplan, R. J. (2006). Links between empathy, social behavior, and social understanding in early childhood. *Early Childhood Research Quarterly*, 21(3), 347-359 .
- Giménez-Dasí, M., Fernández-Sánchez, M., & Quintanilla, L. (۲۰۱۵). Improving social competence through emotion knowledge in 2-year-old children: A pilot study. *Early Education and Development*, 26(8), 1128-1144 .
- Giménez-Dasí, M., Quintanilla, L., & Daniel, M.-F. (2013). Improving emotion comprehension and social skills in early childhood through philosophy for children. *Childhood & philosophy*, 9(17), 63-89 .
- Greenberg, M. T., Domitrovich, C. E., Weissberg, R. P., & Durlak, J. A. (2017). Social and emotional learning as a public health approach to education. *The future of children*, 13-32 .
- Gutiérrez, M. S., Escartí, A. C., & Pascual, C. B. (2011). Relationships among empathy, prosocial behavior, aggressiveness, self-efficacy and pupils' personal and social responsibility. *Psicothema*, 23(1), 13-19 .
- Lipman, M. (1985). Thinking skills fostered by philosophy for children. *Thinking and Learning Skill Vol. 1: Relating Instruction to Research*, 83-108 .
- Lipman, M. (1988). *Philosophy goes to schools*. Philadelphia: Temple University Press.
- Lipman, M. (2003). *Thinking in education*. Cambridge University Press.
- Lippman, H. (2016). Padilla and Beyond: The Future of the Defense Function. *Fordham Urban Law Journal*, 39(1), 29 .
- Morelli, S. A., Lieberman, M. D., & Zaki, J. (2015). The emerging study of positive empathy. *Social and Personality Psychology Compass*, 9(2), 57-68 .
- Murris, K. (2016). The Philosophy for Children curriculum: Resisting 'teacher proof' texts and the formation of the ideal philosopher child. *Studies in Philosophy and Education*, 35(1), 63-78 .
- Pascoe, S. M., & Brennan, D. (2017). *Lifting our game: Report of the review to achieve educational excellence in Australian schools through early childhood interventions*: Victorian Government.
- Pisa, O. (2013). *Results: Ready to learn-students' engagement, drive and self-beliefs (Volume III)*. PISA: OECD Publishing.
- Riess, H. (2015). The impact of clinical empathy on patients and clinicians: understanding empathy's side effects. *AJOB Neuroscience*, 6(3), 51-53 .
- Schonert-Reichl, K. A., Smith, V., Zaidman-Zait, A., & Hertzman, C. (2012). Promoting children's prosocial behaviors in school: Impact of the "Roots of Empathy" program on the social and emotional competence of school-aged children. *School Mental Health*, 4(1), 1-21 .
- Smithers, L. G., Sawyer, A. C., Chittleborough, C. R., Davies, N. M., Smith, G. D., & Lynch, J. W. (2018). A systematic review and meta-analysis of effects of early life non-cognitive skills on academic ,psychosocial, cognitive and health outcomes. *Nature human behaviour*, 2(11), 867-880 .

اثر بخشی برنامه ترکیبی آموزش فلسفه به کودکان ... (فاطمه السادات فاطمی و دیگران) ۲۲۹

Tough, J. (2012). The development of meaning: A study of children's use of language (Vol. 118): Routledge.

Vaughn, B. E., Elmore-Staton, L., Shin, N., & El-Sheikh, M. (2015). Sleep as a support for social competence, peer relations, and cognitive functioning in preschool children. Behav Sleep Med, 13(2), 92-106.

